قل نزله

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید　　دیگران هم بکنند انچه مسیحا میکرد

روح القدس

مدیر کل
سلطان العلماء خراسانی

ادراه و محل توزیع
کتابخانهٔ شرافت

مکاتیب بی امضا قبول
نخواهد شد چه درج
شود یا نشود صاحبش
حق استرداد ندارد

«قیمت اشتراک سالیانه»
طهران ۱۲ قران
ولایات داخله ۱۷ قران
روسیه ۵ منات
سایر ممالك خارجه
۱۰ فرانك

قیمت اعلانات
سطری یکقران

قیمت یکنمره صد دینار　وجه اشتراك بعد از سه نمره دریافت میشود

جریده ایست آزاد علمی و سیاسی و پولیتیکی بحث مینماید و ابدا شئونات و عناوین ظاهری مانع از اظهار مطالب نخواهد بود مقالات عام المنفعه درج میشود

بتاریخ دوشنبهٔ ۲۵ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۵

{ بسم الله الرحمن الرحیم }

حمد نامعدود و ثنای نامحدود مالك الملو کیرا سزا است که بقدرت کامله ما ایرانیان را از زیر بار ظلم مستبدین نجات بخشید و خلعت آزادی و مشروطیت را بر اندام ما پوشانید

{ فذلك فضل الله یؤتیه من یشاء }

این ایام که دولت ایران در عداد دول کنستی توسیون معدود و صاحب مجلس پارلمان است قلم و زبان هم بگمان مان آزاد است بر هر فردی از افراد دانشمندان ایرانی نژاد لازم و واجب است که بتوسط زبان و قلم مساعی خودشان را مبذول دارند و از خدمات و وظایف نسبت بملت و دولت مضایقه ننمایند شاید بهمت کامله ارباب همت و غیرت این دولت و یران که نامش ایران است از حضیض ذلت باوج عزت عروج نماید ایران و ایرانیانیکه تا چند سال قبل محل امن و امان و ملجأ و پناه سایر دول و ملل بوده اند از ذلت حمایت و صیانت اجانب و همسایگان رهائی یابد و آب رفتهٔ سابق الایام بجو بیاید و نام ایران و ایرانیان که مایهٔ افتخار تمام دول بوده مثل بیشتر از زمان بلند شود و بیش از ین اهالی سایر دول ما اهالی ایرانرا در زمرهٔ وحشیان محسوب ندارند و ما را هم چون خودشان در شماره متمدنان بشمارند

{ علت ذلت دولت و خرابی مملکت }

سبب ذلت دولت و خرابی مملکت آنست که مردم عالم به حقوق انسانیت خود نیستند بر فرض عالم بودن قدرت بر مطالبه حقوق خود ندارند

شخص دولت هم ملاحظه حقوق رعیت را نمی نماید یا ایشانرا دارای حقی نمیداند

{ طریقهٔ علم بحقوق }

اولاً مردم باید خود را دارای حقوقی در این خاك بدانند و این خاك را وطن عزیز خود بشمارند و خودشان را مسؤل این خاك پاك بدانند

ثانیاً باید مردم شخص سلطان را هم مثل خودشان یکی از افراد انسان در اعضاء و جوارح علی السویه خیال کنند و شخص سلطان را بر فرض تصدیق بر مقدمات دارای حقوقی بر خودشان بدانند و خودشان را هم دارای حقوقی بر شخص سلطان بشمارند

نه اینکه سلطان را مالك الرقاب و خود را عبد رق او بدانند که بهر چه ارادهٔ او تعلق بگیرد تمکین صرف نباشند و قادر بر مطالبه حقیقت و بطلان مطلب نباشند

ای مردم اگر شما هم مثل اهل بصره در زمان خلافت عثمان عالم بحقوق خودتان میشدید البته مثل آنها رفع ظلم از خودتان می کردید و ریشهٔ خبیثهٔ استبداد را قطع مینمودید و دو مرتبه دچار و گرفتار ظلم ظالمین نمی شدید خیال نکنید شما مظلوم هستید قسم بذات حضرت حق شما ظالم حقوق خود و دیگران هستید چرا که شما بدست خود حقوق تان را از دست داده اید و خودتان را پایمال سم ستور مستبدان نموده اید

{ خطاب بمستبدین }

ای شاخهای ظلم و استبداد که سیاهی ظلم استبدادتان ایران را تیره کرده و چشم تمام ایرانیان را خیره نموده هرچه تاکنون خیانت بملت و دولت کردید بس است دیگر مصلحت شما نیست که مثل اعمال سابقه تان عمل کنید چرا که در این زمان بحمدالله مردم از خواب غفلت بیدار شده اند دیگر قبول ظلم شما را نخواهند کرد و زیر بار ظلم نخواهند رفت (شیر زنهای ایرانی رفع ظلم شما را خواهند کرد تا چه رسد بمردهای ایشان)

خوب است شما هم در صدد تلافی کارهای سابق تان برآئید و با ملت همراهی کنید تا شوکت و اقتدارتان زیادتر از پیش شود و مردم هم با کمال میل غاشیهٔ عزت تان را بدوش بکشند

این مطلب را هم یقیناً بدانید اگر دست از اعمال قبیحهٔ سابقه تان برندارید صرفه نخواهید برد عن قریب بشمشیر مشروطیت عالم از لوث وجود تان پاك خواهد شد

دیگر محض حفظ خون خود از افعال قبیحه تان دست بردارید و بوساوس شیطانیه خود قلب آینه صفت اعلیحضرت پدر تاجدار ما را مکدر نکنید شاهنشاها محض حقوق وطن پرستی و خیانت نکردن بهم نوع خود لابد باید بچند کلمه مصدع اوقات شریف شد شاید ادای حقوق خود را کرده باشیم

(من آنچه شرط بلاغ است باتو میگویم)

(تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال)

الحق مر حرف حق نزن سرت می برند

اعلیحضرتا بحقوق انسانیت قسم است که امروزه گوش به حرفهای مهمل خائنان دولت دادن ایران و ایرانیان بباد دادن است شهریارا بمفاد آیه شریفه (ولئن اتبعت اهوائهم بعد الذی جائك من العلم مالك من الله من ولی ولا نصیر) هر آنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر بر خاطر مبارکت پوشیده نیست که مملکتی بباد نرفت مگر بواسطهٔ وزراء خائن تاجداری بی تخت و تاج نشد مگر بجهة امناء خائن انشاءالله تاریخ ژول سزار روم از نظر مبارکت گذشته و کشته شدن شاهنشاه شهید از نظر شریف محو نشده لابد بعد از تعمق در سر گذشت و داستان سلاطین سابقه درك خواهد شد که سوء خاتمت هر پادشاهی برای حمایت پیش کاران خائن بوده شخص مقدس سلطان خود را با بی گناهی و تنزه ذات گرفتار کیفر و نکال کارگذاران خائن نموده

شاهنشاها اشخاصیکه پنجاه سال ایرانرا چاپیده اند آیا نمیتوانند قرض دولت را بدهند اگر این خائنان امناء دولت باشند نباید بذلت و قرض کردن از اجانب راضی بشوند نباید در زمان معزولی و منصوبی خود را بوسایلی بفرنگستان برسانند و پول ایرانرا بعوض کارخانه جات عروسك مقوائی و سك و خوك کاغذی بخرند و قرض دولت راندهند آخر تا کی باید ما را ذلیل روس و انگلیس کنند تا کی باید یوسف وطن را بثمن بخس به فروشند و پولشرا بمخارج پارك و کالسکه و مبل اطاق خود نمایند آری (برعکس نهند نام زنگی کافور)

اگر باقبال مشروطیت جریده نویسی در ایران موقوف نشد و از زیر بار تحمیل قانون جدید جناب . . . که موافق باقوانین و میل مستبدین است خلاص شدیم بهمت مولی ثابت خواهیم کرد که قسم خوردن زیر ناودان طلا نتیجه اش این نیست و وطن نفروختن بهتر از صحن بقیع ساختن است (اگر چه انما الاعمال بالنیات)

لیکن جناب وزیر علوم باید این نکته را ملتفت باشند (گر ما ز سر بریده میترسیدیم) در محفل عاشقان نمیرقصیدیم) بقیه دارد

{ چاره بیمار }

ایران بیمار است گذشته از طبیب هر بچه ناخوشیش را شناخته و بسیار گفته‌اند آیا درمانش چیست کارش باخداست دشمن بسیار پرستارانش زهر کشنده بجای دارو زهر بکامش میریزند مانند حضرت ایوب در تنش کرم افتاده ازوقت درمانش مدتی گذشته و مرده‌خواران درکمینند عملهٔ مرده‌شورخانه تابوت آورده‌اند چون قبر کن ایشان خبر کرده بود خودش هم منتظر است قبرکنان و مرده‌شوران از گوشه و کنار باین بیمار نیشکون میگیرند و تک چاقو فرو میکنند که مبادا برگردند بادست خالی و مزد گیر شان نیاید عجالةً مرده شوران درزاویهٔ مقدسه قبرکنان درپارکهای شهر و شمیران معطلند عملجات مجلس ختم همه جا پراکنده گاهی ازدوا وعدای بیمار میدزدند منتظر ازهاق روحند تادرست سیر شوند از حلوای سرچوب وناهار مجلس ختم اکنون در مدرسهای غربی طهران نگرانند بعضی هم شبها عبا برسر خانهٔ قبر کنان میروند دردل شب درکنکاشستان نیز بفال بدزدن مشغولند وچنین وانمود میکنند که مابرای بیمار قرآن میخوانیم صاحبان مرده چون سواد ندارند هر کلمه که بشنوند وندانند یعنی چه گمان می کنند قرآن است برای این گول میخورند ماران و افعیان وموشان از سوراخهای خود سربر آورده گویا از گرسنگی بی تاب شده‌اند و مرده دیر بایشان رسیده درراه ونیراه منتظر مردن بیمارند تابخورند یکپاره هم دربستر بیمار سرآورده مشغول خوردن دست بیمارند که آذربایجان باشد

دراین صورت یك چارهٔ بنظر میرسد وآن اینست انجمنهای شهر مجلس رادقت کنند اگر وکیل خائنی هست بر دارند تا مقصود دشمنان ایران درزاویه مقدسه شورای ملی حاصل نشود

پس از تطهیر مجلس شورای هرچه بایدوشاید وصلاح ملت است ازمجلس بخواهند ومجلس ازوزراء بخواهد وبی کاهلی اجرا شود وانجمنها باچهارچشم ناظر مجلس ووزرا باشندوگر نه چندان نکشد که تن بیمار هرپاره‌اش درشکم مار وموش و بزمجه تحلیل رود آن وقت وای برجان مستبدین وبزرگان ایران که آرزوی مرگ خواهند وبعضی خودرا خواهند کشت

حفظ الصحه

چون عموم هم قلمان محترم ما درخط ایران صانها الله عن الحدثان درصفحات جراید خود غیر ازسیاسی وپلیتیکی وخرابی مملکتی وتعریف یامذمت شخصی در رشته دیگر ازعلوم وصنایع سخن نمیرانند

و حال انکه امروزه که این ملت نجیب ایران یك جنبشی نموده واندك حسی پیدا کرده برعهده عالمین مملکت است که انهارا علاوه بررشتهٔ پلتیك وسیاسی اندکی هم بعلوم و صنایع آشنا نمایند تاانکه انشاالله تعالی رفته رفته این علوم وصنایع هم درمملکت مارونق گرفته وازپرتوآن علوم صاحب ثروتی که اصل ترقی وحقیقت پیشرفت است بشویم والبته همه میدانند که همین علم وثروت است که اسباب مزیت وبرتری از برای تمام ممالك متمدنه عالم شده

ویکی ازعلوم لازمه برای ملت متمدن علم طب است زیرا که تاحفظ صحت ورفع مرض نشود هیچ فردی ازافراد انسانی نتواند رسیدگی بامور معاد ومعاش خود کند وشاید همین نکته بوده باشد که درحدیث شریف العلم علمان علم ابدان را مقدم فرمود برعلم ادیان وامیدواریم انشاءالله تعالی عما قریب بقسمی این ملت غیور ترقی نماید — که درهر کوره دهی که ده خانه وارداشته باشد یك نفر طبیب عالم صحیح داشته باشد یك شعبه ازین علم شریف علم حفظ الصحه است که تاکنون درمملکت مامدون نبوده یااگر بوده تعلیم آن مرسوم نبوده و هرگاه کسی مدعی شود که دربعضی از مدارس اجمالاً علم حفظ الصحه مرسوم است عرض مینمائیم ازیك گل بهار نمی شود چیزی که محتاج الیه تمام مردم است ازتعلیم وتعلم پنج نفر یاده نفر اطفال مدارس چه نتیجه حاصل خواهد شد

نظر باین مقدمات ماعازم شده‌ایم که انشاالله اگر خداوند توفیق عطا فرماید درهر نمره این جریده مقدسه بقدر مقدور مقاله

از علوم وصنایع که مفید بحال عموم ملت بوده باشد درج نمائیم

چون علم حفظ‌الصحه که یکی ازشعب علم طب‌است فعلاً اهم است ازبرای ما ملت ایرانیان زیرا که تا حفظ‌الصحه درمملکت نباشد وطریق انرا ندانیم سالها عدهٔ زیادی از افراد ما هلاك واسیرخاك خواهد شد وهرقدر ازعدهٔ نفوس ما کم بشود البته ازترقیات ما کم خواهد شد

{ بیان این مسئله‌را درلزوم آبله‌کوبی عرض خواهیم کرد }

ولی برما فعلاً لازم‌است که قدری ازاین‌علم‌را درصفحات این جریدهٔ مقدسه درج نمائیم از خوانندگان محترم خواهشمندیم که اگر تمام این روزنامه‌را برای اهالی خانه خود نمی‌خوانند همین‌مقاله‌را برای اهالی منزل وکسان بخوانند وبه انها بفهمانند که کم‌کم انشاءالله تعالی فوائد این علم مرکوز خاطر تمام اهالی این‌مملکت بشود

بقیه دارد

صد هزار شکر خدارا که مجلس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه تاسیس شد و روح قدسیه بعظام رمیمه ما ایرانیان دمیده گشت و باعث امیدواری سی کرور نفوس و چشم کوری اجانب وهمسایگان عبوس گردید لذامحض حفظ‌ونگاهداری این یوسف گلرخ ازشر برادران حسود درطهران انجمنها‌تشکیل داده‌شده که‌ازانجمله‌انجمن خراسان است که‌باکمال جدوجهد اوقات خودرامصروف بمحافظت دارالشوری‌ملی کرده ورفع ظلم ازقاطبه هم وطنان خودعموماً وازاهالی خراسان خصوصاً برعهده قسمت و غیرت‌خود گرفته هرکس ازاهالی خراسان که‌شاکی ومتظلم باشد درطهران‌بانجمن خراسان‌اطلاع ورجوع بدهدکه انشاءالله‌بهمت‌سلطان‌خراسان علی‌ابن‌موسی‌الرضا همه‌گونه رفع‌ظلم ازاوخواهدشد

خلاصهٔ مذاکرات انجمن خراسانیها

٤ شهر جمادی الثانیه مکتوب از قوچان

انجمن مقدس خراسان را تبریك عرض میکنند از قرار معلوم ولایت قوچان ازاسلام وادارهٔ ایران خارج شده وباید درتحت تعدیات وظلم برقرارباشد

نصرت‌الممالك‌قزوینی

نایب الحکومه قوچان صورتی بوزارت خراسان از بابت مالیات ومعامله قوچان داده است که از قرار سنوات قبل جنس‌را در دوازده تومان تسعیر کنند و حال اینکه برطبق حکم طهران ازهمه جا باید عین‌جنس بگیرند نمیدانم بچه علت قوچانیان هنوز در چنگ این ظالمان و پیشکار باید دچارظلم وتعدی فوق‌العاده باشند احدی سؤال نکند

امضاء محفوظ

مدیر — مطلب معلوم است مصلحت آنست که کاغذی بوزیرمالیه ازانجمن نوشته بشود واصلاحش‌را از ایشان بخواهیم بعدازمذاکرهٔ زیاد قرار براین داده شد که کاغذی بوزیرمالیه نوشتند تلگراف کنند که مطابق حکم جدید جنس‌را جنس ونقدرا نقدبگیرند وتعدی‌را موقوف‌دارند

{ صورت‌عریضه‌بوزیر مالیه ۱۸ جمادی‌الثانیه }

ازقراریکه‌عریضه‌جات مترادفه متکاثره‌ازقوچان بانجمن خراسان‌رسیده‌است پیشکارقوچان بعضی تعدیات‌واجحافات فوق‌العاده ازبابت اخذمالیات‌می‌نماید رفع‌این‌تظلمات‌و تعدیات‌راازحضورمبارك میخواهیم واستدعا داریم که محض‌آسایش عموم‌اهالی قوچان به‌پیش‌کار انجاتلگراف بفرمائید که‌نقدرا نقد و جنس‌را جنس ودست ازتعدی و اجحاف بردارند

درفقرهٔ‌اسرای‌قوچان‌مقداری گفتگوومذاکره‌شد اظهارشد که‌ناموس‌رعیت‌ناموس دولت‌است چگونه بغیرت‌دولت‌میگنجد که‌زن‌وبچه رعایای‌قوچان در دست ترکمان‌ها وغیرایشان. اسیرباشند وبعضی‌زنهاودخترها ازمردهای‌ترکمان وغیرشان‌حامله‌باشند وهیچ‌کس در فکر نیست بعدازمذاکره قرارشد بمجلس عریضهٔ‌از انجمن بنویسند واستدعاکنند که‌مجلس‌استرداد اسرارا از دولت‌بخواهد

بقیه دارد

رئیس‌مطبعهٔ‌شاهنشاهی عبدالله‌قاجار